



باسمه تعالی

## نقد سخنان شهید صدر درباره کیفیت دلالت امر و نهی بر وجوب و حرمت، به مدد بیانات محقق بروجردی

### علت بررسی فرمایشات محقق بروجردی

صحبت در مورد فرمایشات شهید صدر در کیفیت دلالت امر و نهی بر وجوب و حرمت بود. ایشان به عقلی بودن این ظهور که نظریه محقق نائینی بود، اشکال کردند. اصل اشکال ایشان این بود که تمام الموضوع وجوب و حرمت، طلب نیست بلکه تمام الموضوع مرتبه شدیدیه طلب است و تنها با دلیل لفظی قابل کشف است.

بیان شد که این فرمایش ایشان، در دو مرحله مورد بررسی قرار خواهد گرفت. مرحله اول اینکه وجوب عقلی دانسته شود لکن نه با تقریر محقق نائینی بلکه با تقریر امام خمینی که برگرفته از بیان محقق بروجردی بود. بعد بررسی شود که آیا دو اشکال شهید صدر به این تقریر هم وارد است یا نه؟ مرحله دوم اینکه بررسی شود که آیا با توجه به تکمله محقق خوبی می توان بر اساس تقریر محقق نائینی هم جواب اشکالات شهید صدر را داد؟

چون مختار در مساله کیفیت دلالت امر و نهی بر وجوب و حرمت، مطابق با نظریه امام خمینی ره است و نظر ایشان هم متخذ از بیان محقق بروجردی است، ابتدا فرمایشات محقق بروجردی مورد بررسی قرار می گیرد.

### نکات اصلی فرمایش محقق بروجردی

#### نکته اول، انتزاع وجوب یا ندب از طلب انشائی که فعل خاص مولاست

در تقریرات درس ایشان در نهاییه الاصول ابتدا مباحث ایشان ناظر به وجود یا عدم وجود تشکیک در امور اعتباری مطرح شده است. آنجا بحث این است که آیا بین وجوب و ندب و یا حرمت و کراهت، تشکیکی وجود دارد؟ اگر اینها امور اعتباری هستند حیث تشکیک به چه چیز بر می گردد؟ آیا به منشا آنها که اراده است بر می گردد؟ بعد از این مباحث به بحث مورد نظر می رسند. ایشان می گویند وجوب به حکم عقل، از فعل مولا انتزاع می شود. و اگر

و جوب با توجه به ماده امر و صیغه امر مطرح می شود، به اعتبار اینکه لفظی یا معنایی وجود دارد نیست و لفظی بودن دال تأثیری در این بحث ندارد بلکه اگر از طریق دوال دیگر مانند اخبار مولا یا اشاره مولا و غیره هم طلب انشائی مولا فهمیده شود باز همین وجوب انتزاع می شود. «و الحاصل: أن الوجوب أو الندب إنما ينتزع عن الطلب الإنشائي، بما هو فعل خاص، صادر عن المولى، لا بما أنه لفظ استعمل في معناه.» {یعنی فعلی از طرف مولا وجود دارد که این فعل خاص که مثلا تنطق به صیغه است موضوع حکم عقل به وجوب می شود. بعد مطلب را به خوبی تشریح می فرمایند که این دقت و پختگی در کلام محقق نائینی وجود ندارد. ایشان می فرمایند:} «و بعبارة أخرى: الصيغة إنما تستعمل في الطلب استعمالا إنشائيا فيها يوجد الطلب في عالم الاعتبار، و الطلب و البعث سواء كان حقيقيا متحققا بأخذ يد المطلوب منه، و جره نحو العمل المقصود،» {چه این طلب و بعث حقیقی باشد مانند اینکه دست فردی گرفته شود و به سمت کاری هل داده شود و یا در نهی جلوی او گرفته شود} «و إنشائيا متحققا بمثل صيغة «افعل» و نحوها» {و چه اینکه طلب انشائی وجود داشته باشد که با مثل صیغه افعال متحقق شود. به هر حال وقتی این طلب محقق شد موضوع حکم عقل یا عقلا قرار می گیرد و بعد از این تحقق است که حکم به ندب یا وجوب انتزاع می شود.} «ربما ينتزع عنه الوجوب و يكون موضوعا لحكم العقلاء باستحقاق العقوبة بمخالفته، و ربما ينتزع عنه الندب كسائر العناوين المنتزعة عن الأفعال الاختيارية»<sup>۱</sup>. این اولین نکته ای است که ایشان در این زمینه مطرح می فرمایند.

### نکته دوم، مشخص بودن حکم عقل در صورت کشف نوع اراده

اما نکته دوم ایشان این است که گاهی از مقارنات فعل مولا یا از قرائن دیگری کشف می شود اراده شدیده منشا طلب است. بعد از کشف اراده شدیده، عقل حکم به وجوب می کند. همانگونه که گاهی بر اساس مقارنات فعل مولا یا از قرائن دیگر بدست می آید که منشا طلب مولا اراده ضعیفه است. در این صورت این کشف موضوع حکم عقل بر ندب می شود.

### نکته سوم، محل بحث، فرض مشخص بودن «جنس اراده» نه «نوع اراده»

نکته سومی که مطرح می فرمایند این است که یک بار با مقارنات فعل مولا و قراین، نوع اراده مولا کشف می شود و یک بار صرفا جنس اراده مولا محرز است و فقط می دانیم مولا طلب دارد ولی مشخص نیست که نوع آن شدیده

<sup>۱</sup> نهاية الأصول، ص: ۹۰.

است یا ضعیفه. در این حالت دوم هم عقلا حکمی دارند و همین مشخص بودن جنس اراده موضوع می شود برای حکم عقلا بر اینکه تا زمانی که قرینه ای بر ترخیص وجود نداشته باشد مکلف نسبت به ترک معذور نیست و حتما باید امتثال رخ دهد.

### **تکمله محقق بروجردی بر نکته سوم، عدم امکان اذن مولا بر مخالفت در فرض محرز بودن جنس مولا**

در نکته سوم ایشان تکمله ای دارند که همین تکمله مورد نقد امام خمینی واقع شده است. ایشان می گویند ممکن است گفته شود که اگر جنس طلب موضوع حکم عقل باشد، شارع نمی تواند اذن در مخالفت دهد. زیرا مولا نمی تواند دو فعل مرتکب شود که با هم ناسازگاری داشته باشد. مولا خود از عقلاست فلذا نمی تواند از یک طرف فعلی را محقق کند که موضوع حکم عقل بر لزوم شود و از طرف دیگر فعل دیگری از او صادر شود که دال بر اذن در مخالفت باشد. در این صورت بین دو فعل مولا ناسازگاری بوجود می آید و این محال است.

در نتیجه اگر قبول شد که در محکمه عقلا صرف طلب موضوع حکم عقلاست، دیگر امکان ندارد که اذن در ترک از طرف مولا صادر شود و جایی برای ندب باقی نمی ماند. در این صورت دیگر برای موارد استحباب بعثی وجود نخواهد داشت. به عبارت دیگر آنجا که فتوا به استحباب داده می شود صیغه افعال در بعث بکار نرفته است. چون اگر در بعث بکار رود می شود موضوع حکم عقلا بر لزوم امتثال و دیگر ترخیص در مورد آن امکان نخواهد داشت. در نتیجه باید گفت در این موارد داعی، داعی بعث نیست تا موضوع برای آن حکم عقلا درست نشود، بلکه داعی اخبار از مطلوبیت ملاک است نه انشاء و بعث. پس برای فرار از تهافت بین دو فعل مولا-بین بکار بردن این صیغه با داعی بعث و درست شدن موضوع برای حکم عقلا بر لزوم و بین فعلی از مولا که دال بر جواز مخالفت این بعث باشد- باید استحباب را اینگونه تبیین نمود.

بیان ایشان در این باره چنین است: «بل یمكن أن يقال إن الطلب البعثی مطلقاً منشأ لانتزاع الوجوب و یکون تمام الموضوع لحکم العقلاء باستحقاق العقوبة، و إنه معنی لا یلائمه الإذن فی الترتک، بل ینافیة، لوضوح عدم امکان اجتماع البعث و التحریک نحو العمل مع الإذن فی الترتک المساوق لعدم البعث. و علی هذا فیجب أن يقال إن الصیغ المستعملة فی الاستحباب لا تكون مستعملة فی الطلب البعثی، و لا تتضمن البعث و التحریک، و إنما تستعمل بداعی الإرشاد إلی وجود المصلحة الراجحة فی الفعل» {این همان سازمان آخوند در مورد دواعی مختلف در انشائات است که گاهی داعی تهدید است گاهی تعجیز است گاهی بعث است و گاهی موارد دیگر. ایشان می فرمایند با توجه

به این توضیحات داعی در موارد استحباب، اصلا بعث نیست. اگر داعی بعث باشد منافات بین دو فعل مولا بوجود می آید. همین نشان می دهد که سازمان حرف محقق بروجردی پیشرفته تر از سازمان حرف محقق نائینی است. بعد ایشان در ادامه می فرمایند: { « و بیالی أن صاحب القوانين<sup>۲</sup> أيضا اختار هذا المعنى فقال: «إن الأوامر الندبية كلها للإرشاد» و هو كلام جيد.»<sup>۳</sup>

### جمع بندی فرمایشات محقق بروجردی

البته قبلا وقتی در بحث اوامر این مطالب از ایشان بررسی شد، در توضیح فرمایشات ایشان مخالفتی هم با فرمایشات آقای فاضل و آقای سبحانی، بیان شد. آنجا مفصل همه اقوال و نقد آنها بیان شد لکن الآن فقط هدف بیان مطالب ناظر به کلام شهید صدر است.

محقق بروجردی در ادامه در جمع بندی مطالب خود می فرماید: آنچه گفته شد در مورد فعل مولا بما اینکه فعل اختیاری مولاست، بود. فعل مولا وقتی موضوع بعث را محقق کرد گاهی نوع طلب و اراده را هم مشخص می کند، در این صورت هیچ کس هیچ بحثی ندارد؛ اما اگر نوع اراده مشخص نشد و صرفا جنس اراده مشخص بود، نوبت به بحث بعدی می رسد که حکم عقلا در این زمینه چیست؟ و اگر حکم عقلا به لزوم امتثال باشد دیگر امکان صدور اذن در مخالفت از طرف مولا وجود نخواهد داشت و باید داعی را در موارد مستحبی غیر بعث و صرفا ارشاد به وجود مصلحت راجحه دانست. بیان ایشان چنین است: « هذا كله بناء على كون الملاك و الموضوع لاستحقاق العقوبة هو مخالفة نفس الطلب بما هو طلب و بعث من قبل المولى كما قويناه. و أما بناء على كونه ملاكا للاستحقاق من جهة كونه كاشفا عن الإرادة الشديدة فيدور الاستحقاق و عدمه مدار كشفه عنها و عدم كشفه»<sup>۴</sup>

### نقد سخنان شهید صدر به مدد بیانات محقق بروجردی

با این بیان مشخص می شود که اصلا حیث بحث نسبت به آنچه شهید صدر فرمودند متفاوت می شود زیرا طبق این بیان محل بحث اصلی جایی است که فقط جنس اراده مشخص است نه جایی که نوع اراده که مثلا اراده و طلب شدیده است، مشخص باشد. پس باید به شهید صدر گفت مطلب بدین سادگی نیست که شما به راحتی به محقق

<sup>۲</sup> میرزای قمی.

<sup>۳</sup> نهاية الأصول، ص: ۹۲.

<sup>۴</sup> نهاية الأصول، ص: ۹۲.

نائینی نسبت دهید که مدرسه ایشان صرفاً حکم عقل است و لاغیر و بعد با توجه به مثالی که در مورد فهمیدن ملاک توسط عبد زدید به ایشان اشکال کنید.

به علاوه، کشف اراده مولا هم صرفاً از طریق دلیل لفظی نیست بلکه عبد می تواند از غیر لفظ بلکه از فعل مولا نوع اراده را بفهمد. آنجا هم که دلیل لفظی وجود دارد با دلیل لفظی کار نمی شود بلکه با فعل کار می شود. فهمیدن نوع اراده هم با فعل است نه با حیث دلالت دلیل لفظی.

خلاصه اینکه: اولاً باید حیث دلالت لفظی از دلالت فعل مولا جدا شود. ثانیاً جنس اراده باید از نوع اراده تفکیک شود. ثالثاً محل بحث موضوعیت جنس اراده برای حکم عقل است. البته امام ره در این زمینه دقتی اضافه تر دارند که متأسفانه در کلام تلامذه ایشان نیامده است و بعداً بیان خواهد شد.

مقرر: علی اکبر اژه ای